

از پست و بلند ترجمه فیلم

کازابلانکا

فرزانه شکوهمند

ترجمه مجدد آثار ادبی، بخصوص در ایران، امری کاملاً عادی و متداول است. در مقام نظر، دلیل ترجمه مجدد معمولاً نقص در ترجمه قبلی است، اما در حوزه آثار ادبی در ایران ترجمه‌های مجدد دلایل بسیار متعدد دارند. در حوزه فیلم، ترجمه مجدد برخلاف دوبله مجدد بسیار نادر صورت می‌گیرد و مواردی هم که صورت گرفته به دلیل نقص در ترجمه قبلی بوده است. در این شماره به بررسی ترجمه مجدد فیلم کازابلانکا می‌پردازیم. بررسی ترجمه مجدد این فیلم نشان می‌دهد که مترجم دوم، کل فیلم را دوباره ترجمه کرده و ترجمه او بسیار روان‌تر و صحیح‌تر از ترجمه اول است.

فیلم کازابلانکا یکی از زیباترین فیلم‌های عاشقانه عصر کلاسیک سینماست. در این فیلم که به کارگردانی مایکل کورتیز در سال ۱۹۴۲ ساخته شد، هامفری بوگارت (ریک بلین)، اینگرید برگمن (الزا لاند) و پل هنرید (ویکتور لازلو) بازی می‌کنند. داستان فیلم در بحبوحه جنگ جهانی دوم در اروپا اتفاق می‌افتد. در سال ۱۹۴۱ بسیاری از اروپاییان برای فرار از جنگ تصمیم می‌گیرند از این قاره به آمریکای آزاد مهاجرت کنند. راه رسیدن به آمریکا شهر لیسبون پرتغال بود. اما در آن زمان همه نمی‌توانستند مستقیم به لیسبون سفر کنند، به همین دلیل از راه‌های مختلف به بندر کازابلانکا در مراکش می‌رفتند تا از آن‌جا روانه پرتغال شوند. در کازابلانکا، مردی آمریکایی به نام ریک کافه‌ای دارد که پاتوق فرماندهان نازی و افسران فرانسوی است. در آغاز فیلم، ریک از طریق شخصی خلافکار به نام اوگارتی دو برگه عبور بدست می‌آورد. یک شب الزا معشوقه قدیمی ریک همراه با همسرش ویکتور لازلو به کافه ریک می‌آید و پس از مدت‌ها او را دوباره ملاقات می‌کند. در پی ماجراهایی که پیش می‌آید الزا نزد ریک اعتراف می‌کند که با وجود گذشت زمان هنوز عاشق اوست و از او خواهش می‌کند برای خودشان و ویکتور چاره‌ای بیندیشد تا از این سرگردانی عاطفی خلاص شود. اما

ریک که می‌داند ویکتور عاشق الزا است دست به فداکاری می‌زند و با استفاده از دو برگه عبور آن دو را روانه آمریکا می‌کند.

این فیلم تاکنون دو بار به فارسی دوبله شده است و هر دو دوبله، به اذعان کارشناسان، جزء دوبله‌های درخشان تاریخ دوبله در ایران است. دوبله اول در سینما پخش شده اما دوبله دوم برای نمایش در تلویزیون ملی تولید شده است.^۱ ناصر طهماسب (ریک)، مهین کسمایی (الزا)، سعید مظفری (ویکتور) و اصغر افضلی (سروان رنو) در دوبله اول همکاری داشتند. در دوبله دوم به جای این شخصیت‌ها به ترتیب حسین عرفانی، شهلا ناظریان، خسرو شایگان و پرویز ربیعی حرف زده‌اند.^۲

دیالوگ‌نویسی و مدیریت دوبله اول به عهده عباس خسروانه بوده است، اما هیچ سندی مبنی بر این‌که ایشان مترجم این دوبله هم بوده‌اند نیافتیم. ترجمه و مدیریت دوبله دوم را سعید شرافت انجام داده است. برخی معتقدند دلیل دوبله مجدد فقط پاک شدن و از بین رفتن قسمت‌های زیادی از دوبله اول است. اما غیر از این، در ترجمه دوبله اول کاستی‌های قابل توجهی وجود دارد که درک مضمون را برای بیننده دشوار و گاه غیرممکن می‌کند. این کاستی‌ها تا حدی در ترجمه دوبله دوم رفع شده‌اند. بنابراین ترجمه سعید شرافت در مجموع دقیق‌تر و روشن‌تر از ترجمه اول است هرچند که در موارد معدودی ترجمه اول را بهتر یافتیم.

در ادامه به بررسی بخش‌هایی از ترجمه دوبله اول و دوم می‌پردازیم. در بعضی قسمت‌های ترجمه سعید شرافت پیشنهادهای اصلاحی خود را آورده‌ام. اولین مورد مقدمه‌ای است که راوی در ابتدای فیلم قرائت می‌کند تا بیننده با شرایط تاریخی که واقعه داستان در آن اتفاق می‌افتد آشنا شود. از همین ابتدا، برتری ترجمه سعید شرافت آشکار می‌شود. جملات ترجمه اول بیش از حد کوتاه هستند و از پیوستگی و انسجام لازم برخوردار نیستند. در ترجمه دوم، مترجم با افزودن اطلاعات زمینه ارتباط قوی‌تری با بیننده برقرار می‌کند و جملات روان‌تر و مستحکم‌تر هستند.

With the coming of the Second World War many eyes in imprisoned Europe turned hopefully, or desperately toward the freedom of the Americas. Lisbon

^۱ <http://cafeclassic5.ir/archive/index.php/thread-56-2.html>

became the great embarkation point. But not everybody could get to Lisbon directly. And so a torturous, roundabout refugee trail sprang up. Paris to Marseilles across the Mediterranean to Oran. Then, by train or auto or foot, across the rim of Africa to Casablanca in French Morocco. Here, the fortunate ones, through money or influence or luck might obtain exit visas and scurry to Lisbon. And from Lisbon to the New World. But the others wait in Casablanca, and wait and wait and wait.

دوبله اول

با آغاز جنگ جهانی دوم چشمان بسیاری در اروپای تسخیر شده با امید بسیار به آمریکای آزاد دوخته شده بود. آنان از لیسبون به آمریکا سفر می کردند. ولی همه نمی توانستند مستقیم به لیسبون بروند. پس راه هایی پیچاپیچ از مهاجران تشکیل شد. پاریس به مارس، آن طرف مدیترانه به اوران. بعد با قطار یا اتوموبیل یا پای پیاده از حاشیه آفریقا به سوی کازابلانکا بندر معروف مراکش می رفتند. در این جا کسانی که بخت یارشان بود با پول یا نفوذ می توانستند ویزای خروجی برای لیسبون بگیرند و از آن جا به آمریکا سفر کنند. ولی دیگران در کازابلانکا صبر می کردند، صبر می کردند، صبر می کردند، صبر می کردند.

دوبله دوم

با شروع جنگ دوم جهانی در اروپایی که حکم زندان را پیدا کرده بود، چشمان زیادی با امیدواری توأم با یأس (درماندگی یا امید) به سوی آمریکای آزاد خیره شده بود. لیسبون بزرگ ترین بندر برای ترک اروپا و رفتن به سوی آمریکا شد. ولی هر کسی قادر نبود مستقیماً خود را به لیسبون برساند. از این روی مهاجرین از راه های پرپیچ و خم و غیرمستقیم به سوی لیسبون به حرکت درآمدند. از پاریس به مارس، از راه مدیترانه به اوران سپس گذشتن از شمال آفریقا با ترن، اتوموبیل یا پیاده و رسیدن به کازابلانکا در مراکش مستعمره فرانسه که هنوز رسماً زیر سلطه آلمان ها در نیامده بود. در این جا افراد خوشبخت به کمک پول، نفوذ و یا شانس (که از پول یا شانس یا نفوذ برخوردارند) ویزای خروج گرفته و به سرعت روانه لیسبون می شوند و از آن جا به سوی دنیای جدید (می روند)، ولی بقیه در کازابلانکا مانده و انتظار می کشند، انتظار، انتظار، انتظار و انتظار.

Renault: How extravagant you are, throwing away women like that. Someday they may be scarce. You know, now I think I shall pay a call on Yvonne. Maybe get her on the rebound. Hmm?

Rick: When it comes to women, you're a true democrat.

دوبله اول

رنو: تو خیلی ولخرجی که یه همچین زنایی رو دور می‌ندازی. یه روزی ممکنه دیگه گیرت نیاد. می‌دونی به نظرم بد نباشه یه سری به ایوون بزnm. شاید این دفعه از من خوشش بیاد. ریک: وقتی موضوع زنا پیش میاد تو دموکرات واقعی می‌شی.

دوبله دوم

رنو: اشتباه می‌کنی که زنهارو اینطوری می‌ندازی بیرون. یه روزی ممکنه اونا نایاب بشن. فک می‌کنم وقتشه حالا یه سری به ایوون بزnm. شاید بتونم کارتو جبران بکنم. ریک: آره، تو در مورد زنها خیلی دموکراتی.

در ترجمه این گفت‌وگو، هیچ‌یک از دو مترجم ترجمه روشنی ارائه نکرده‌اند. ایوون زنی است که به ریک علاقه‌مند است اما ریک به یکی از کارکنان کافه دستور می‌دهد او را به خانه ببرد. سروان رنو که شاهد این صحنه است با ریک صحبت می‌کند. مشکل ترجمه این گفت‌وگو درک مفهوم اصطلاح **on the rebound** است. انصافاً هیچ‌یک از دو مترجم را شاید نتوان برای نفهمیدن معنی این اصطلاح سرزنش کرد. در آن زمان پیدا کردن معنی دقیق این قبیل اصطلاحات در فرهنگ‌های موجود کار ساده‌ای نبوده، برخلاف امروزه که اتفاقاً همین جمله سرگرد رنو موضوع بحث در یکی از صفحات اینترنتی است. اصطلاح فوق در مورد کسی به کار می‌رود که برای رهایی از افسردگی و ناراحتی ناشی از خاتمه یک رابطه عاشقانه، با فردی دیگر وارد رابطه می‌شود. بنابراین با توجه به شخصیت زنباره سرگرد رنو این گفت‌وگو را می‌توان چنین ترجمه کرد:

ترجمه پیشنهادی

رنو: تو خیلی شکمت سیره که همچین زنایی رو دور می‌ندازی. یه روز ممکنه دیگه گیرت نیاد. وقتشه که من سری بهش بزnm. حالا که تو دلشو شکستی شاید از من خوشش بیاد. ریک: موضوع زنا که پیش میاد خیلی دموکرات میشی.

Strasser: What is your nationality?

Rick: I'm a drunkard.

Renault: And that makes Rick a citizen of the world.

دوبله اول

اشتراسر: ملیت شما چیه؟

ریک: من یه مستم.

اشتراسر: اوه، پس به این ترتیب آقایون ریک یه تبعه دنیاس.

دوبله دوم

اشتراسر: تابعیت شما چیه؟

ریک: تابعیت الكل.

اشتراسر: پس معلومه ریک تبعه تمام دنیاست!

ترجمه پیشنهادی

اشتراسر: اهل کجا هستید؟

ریک: اهل الكل!

اشتراسر: پس معلومه ریک اهل تمام دنیاست!

Strasser: You will forgive my curiosity, Mr. Blaine. The point is an enemy of the Reich has come to Casablanca and we are checking up on anybody who can be of any help to us.

Rick: My interest in whether Victor Laszlo stays or goes is purely a sporting one.

Strasser: In this case you have no sympathy for the fox?

Rick: Not particularly. I understand the point of view of the hound too.

دوبله اول

اشتراسر: از کنجکاوی خودم خیلی معذرت می‌خوام آقای بلین. نکته این جاست که یکی از دشمنان رایش به این جا آمده و ما با هر کس که بتونه کوچکترین کمکی به ما بکنه تماس می‌گیریم.

ریک: علاقه من به اقامت یا رفتن ویکتور لازلو فقط جنبه ورزشی داره سرگرد.

اشتراسر: در این صورت شما هیچ تمایلی نسبت به این روباه ندارین؟

ریک: نه به طور خاصی نه. به نظر شما من یه سگ شکاری‌ام؟

دوبله دوم

اشتراسر: امیدوارم کنجکاوی منو ببخشین آقای بلین. موضوع اینه که یکی از دشمنای رایش راهی شده به کازابلانکا. ما داریم راجع به تمام کسانی که ممکنه به ما کمک کنند تحقیق می‌کنیم.

ریک: راستش توجه من به این که آیا ویکتور لازلو ایجا می‌مونه یا می‌ره فقط از روی تفریح و کنجکاویه.

اشتراسر: بنابراین شما هیچ علاقه‌ای به این روباه مکار ندارین؟
ریک: نه چندان. ضمناً کاری هم به کار شکارچیاناش ندارم.

یکی از ویژگی‌های بارز فیلم کازابلانکا گفت‌وگوهای شوخ‌طبعانه میان ریک، رنو و سرگرد اشتراسر است و پاسخ‌های ریک هم معمولاً حاوی طنز سیاهی است که بیانگر دیدگاه تاریک او نسبت به دنیاست. در گفت‌وگوی فوق هم مترجمان به دلیل نفهمیدن موضوع بحث ترجمه‌هایی بی‌معنی ارائه کرده و نتوانسته‌اند شوخ‌طبعی موجود در متن اصلی را منتقل کنند. تا آن‌جا که من می‌فهمم در این گفت‌وگو کلمه *sporting* به صورت جناس به کار رفته است. ریک می‌گوید علاقه‌اش به موضوع رفتن یا ماندن لازلو صرفاً از روی کنجکاوی (*sporting*) است. اما *sporting* معنی دیگری هم دارد و آن وقتی است که به سگ‌های شکاری اطلاق می‌شود. چنین سگی تربیت شده که به دنبال شکار، مثلاً روباه، برود و او را پیدا کند. اشتراسر از کلمه فوق معنی دوم آن را می‌گیرد و لذا منظورش از جمله‌ای که می‌گوید این است: حال که شما (سگی شکاری هستید) می‌توانم مطمئن شوم که هیچ همدردی با روباه (ویکتور لازلو) ندارید؟ ریک می‌گوید که هیچ همدردی با روباه ندارم و نقطه نظر سگ را هم نسبت به روباه می‌فهمم.

Lazlo: This time they really mean to stop me.

Ilsa: Victor, I'm afraid for you.

Lazlo: We've been in difficult places before, haven't we?

دوبله اول

ویکتور لازلو: این دفعه واقعاً می‌خوان جلوی منو بگیرن.

الزا: ویکتور من برات می‌ترسم.

ویکتور لازلو: ما قبلم با خطر روبه‌رو شدیم، مگه نه؟

دوبله دوم:

ویکتور لازلو: این دغه دیگه واقعاً می‌خوان جلوی منو بگیرن.
الزا: من برات نگرانم ویکتور.
ویکتور لازلو: ما در موقعیتای بدتر از اینم فرار گرفته بودیم، مگه نه؟

نکته‌ای که در مورد مثال فوق اهمیت دارد این است که در ترجمه اول مترجم تعبیر «من برات می‌ترسم» را به کار برده که گرت‌برداری از متن اصلی است (البته مترجم دوم آن را به تعبیری فارسی تبدیل کرده است)، ولی با توجه به این که در دوبله فیلم، گوینده جمله را به زبان می‌آورد و بیننده هم آن جمله را می‌شنود (مقایسه کنید با ترجمه مکتوب که در آن جمله مترجم نه به زبان می‌آید و نه شنیده می‌شود) انتظار می‌رود در ترجمه فیلم موارد گرت‌برداری نسبت به ترجمه مکتوب کمتر باشد. ترجمه فیلم معمولاً عیناً دوبله نمی‌شود بلکه از نظر مدیر دوبلاژ و دوبلور می‌گذرد و هر چه که بی‌معنی و نامفهوم و غیرفارسی باشد، در هنگام دوبله کشف شده و اصلاح می‌شود.

Rick: Put it down!

Renault: Major Strasser has been shot. Round up the usual suspects.

دوبله اول

ریک: بذارش زمین.
رنو: سرگرد اشتراسر تیر خورده. مظنونین همیشگی رو دستگیر کنین.

دوبله دوم

ریک: بذارش زمین.
رنو: سرگرد اشتراسر همین الان کشته شد. ورش دارین بذارینش توی ماشین (بروید دنبال مظنونین همیشگی).

این گفت‌وگو مربوط به صحنه پایانی فیلم است. ریک در حضور سروان رنو، سرگرد اشتراسر را به ضرب گلوله می‌کشد. سروان رنو برای مخفی نگه داشتن قاتل سرگرد اشتراسر، به مأموران خود که تازه به محل حادثه رسیده‌اند می‌گوید: اشتراسر کشته شد. بروید دنبال مظنونین همیشگی. منظور رنو از مظنونین همیشگی افراد

بخت برگشته‌ای است که پلیس در جستجوی عامل هر جرمی اول سراغ آن‌ها می‌رود. مترجم اول، مطلب را عیناً ترجمه کرده اما مترجم دوم احتمالاً معنی جمله را فهمیده اما تصورش این بوده که عبارت گوینده برای بیننده فارسی چندان مفهوم نیست. شاید بتوان گفت که عبارت usual suspects در انگلیسی عبارتی آشنا و ترکیبی پرکاربرد به حساب می‌آید ولی معادل تحت‌اللفظی آن یعنی مظنونین همیشگی عبارت یا ترکیب آشنایی نیست. لذا مترجم دوم با توجه به هدف خود که روان‌سازی زبان گفت‌وگوها بوده این تعبیر را عمداً حذف کرده است.

Someday you'll understand that. No, no. Here's looking at you, kid.

دوبله اول

یه روز اینو خواهی فهمید. نه نه موفق باشی کوچولو.

دوبله دوم

یه روز خودتم اینو می‌فهمی. نه گریه نکن. یکی داره نگات می‌کنه، بچه.

این بخش آخرین گفت‌وگوی بین ریک و الزا است. الزا اشک می‌ریزد و ریک او را دلداری می‌دهد. اما هیچ‌یک از دو مترجم نتوانسته‌اند جمله looking at you, Here's kid. را به درستی درک و ترجمه کنند. در این جا هم به مترجمان حق می‌دهیم که در عصر فقدان اطلاعات نتوانند معنی دقیق این عبارت را پیدا کنند حال آن‌که امروزه با یک جستجوی ساده در گوگل می‌توان به تاریخچه این عبارت و به معنی آن در فیلم پی برد. یکی از تفاسیر این عبارت این است که عبارت در اصل چنین بوده:

Here's to looking at you, kid.

دو کلمه اول عبارت، یعنی «به سلامتی» و آن وقتی به کار می‌رود که باده‌خواران به سلامتی چیزی یا کسی مشروب می‌نوشند. اما آنچه که ریک به سلامتی آن می‌نوشد نگاه کردن به صورت الزاست. با این ترتیب شاید بتوان آن را چنین ترجمه کرد: یه روز خودت می‌فهمی. گریه نکن عزیزم. تصدق نگاهت.
